

# فصولی سازی، تمرکززدایی و انتقال وظایف ورزش قهرمانی به کمیته ملی المپیک

❖ دکتر سیدمحمدحسین رضوی؛ استادیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه مازندران

**چکیده:** هدف این پژوهش، بررسی دیدگاه مدیران ارشد بخش تربیت بدنی درباره نقش عناصر فرایندی خصوصی سازی و تأثیر آن بر انتقال وظایف ورزش قهرمانی از سازمان تربیت بدنی به کمیته ملی المپیک بود. بدین منظور، هشت گروه اصلی از مدیران بخشهای ستادی و اجرایی سازمان تربیت بدنی، مدیران تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و باشگاههای ورزشی مورد پرسش قرار گرفتند. روش پژوهش نیز بررسی کتابخانه‌ای، تحلیل مطالعات انجام شده، میدانی و پیمایشی بود. این تحقیق با استفاده از پرسشنامه که یکی از ابزارهای تحقیق زمینه‌ای به شمار می‌رود، دیدگاه مدیران ورزش کشور، در مورد سیاست خصوصی سازی و انتقال وظایف ورزش قهرمانی از سازمان تربیت بدنی به کمیته ملی المپیک بررسی شد. از اعتبار و پایایی پرسشنامه، پس از تأیید و وفاق در مورد بررسی شاخصها و قابلیت اعتماد استفاده شد. بر اساس نتایج تحقیق ۷۲٪ پرسشها به گونه‌ای تنظیم شده بودند که فرضیه‌های پژوهش به خوبی مورد بررسی قرار گیرند. بر اساس نتایج تحقیق ۷۲٪ مدیران ورزش کشور نقش خصوصی سازی را در انتقال وظایف ورزش قهرمانی از سازمان تربیت بدنی به کمیته ملی المپیک مثبت ارزیابی کردند. در این میان، مدیران حوزه‌های آموزشی ورزشی کشور بیشترین توافق (۷۸٪) و مدیران اجرایی کمترین توافق (۶۹٪) را با این انتقال وظایف ابراز داشتند.

**واژگان کلیدی:** خصوصی سازی، اصول خصوصی سازی، ورزش قهرمانی، تمرکززدایی.

## مقدمه

بررسی می‌کند و در صورت اقتضا نسبت به آن اقدام خواهد کرد [۱۴].

خصوصی سازی بنگاههای دولتی یعنی تغییر فضای حاکم بر فعالیت بنگاهها به گونه‌ای است که با

اصطلاح خصوصی سازی فرایندی است که ضمن آن دولت در هر سطحی، امکان انتقال وظایف و تأسیسات را از بخش عمومی به بخش خصوصی

❖Email:

کاهش اندازه دولت، نتیجه واگذاری وظایف و برنامه‌های اجتماعی به بخش خصوصی است. این واگذاری و انتقال، باعث کاهش کارمندان دولتی و در نهایت منجر به کاهش اندازه دولت می‌شود. کاهش اندازه دولت یکی از مهم‌ترین هدفهای خصوصی سازی به شمار می‌رود. دولت ایالات متحده آمریکا در زمان رئیس جمهوری کلینتون در سال ۱۹۹۹ پیشنهاد داد که از طریق واگذاری، انتقال تولید و ارائه خدمات به بخش خصوصی، ۲۵۲ هزار شغل از مشاغل دولت فدرال حذف شوند، کارکنان آن کاهش یابند یا به سایر بخشهای اقتصادی منتقل شوند [۱۵]. از سال ۱۹۷۹، حدود ۵۰ درصد از بخش دولتی انگلستان به بخش خصوصی منتقل شده‌اند [۱۷].

در بررسی عملکرد بخش خصوصی و دولتی، مؤسسه‌ای چون صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و بانگهای توسعه‌ای منطقه‌ای به وضوح بر دولتهای کشورهای درحال توسعه برای خصوصی سازی بنگاههای دولتی به عنوان یک تعدیل ساختاری همه‌جانبه فشار آورده‌اند و چالشهای محلی نیز این فشارها بین‌المللی را تشدید کرده‌اند. این چالشها عبارتند از: نیاز به تطابق با نیروهای بسیار متغیر بازار، ایجاد فرصتهای شغلی افزایش سطوح درآمد و افزایش بهره‌وری و ک آرای برای رقابت در اقتصاد جهانی، به گونه‌ای که در سال ۱۳۷۹ بدهی و قروض بنگاههای دولتی در انگلستان حدود ضض میلیارد دلار بود. اما دولت از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۱ توانست، بیش از ۸۰ میلیارد دلار از خصوصی سازی ۴۶ شرکت بزرگ و چند شرکت کوچک به دست آورد [۲]. التجایی (۱۳۷۸) گفته است که با توجه به نظریه‌ها و شرایط ایران، سیاست راهبردی باید سرلوحه کار قرار گیرد و نظام انگیزشی به این منظور باید مورد توجه قرار گیرد. حیدری (۱۳۷۷) معتقد است که در طراحی الگوی

حفظ بافت اصلی فعالیت، صرفاً فضای مذکور تغییر یابد و شرایط بازار بر نحوه عملکرد بنگاه طوری تأثیر بگذارد و انگیزه‌ها و مکانیزمهای بخش خصوصی ملاک تصمیم‌گیری در بنگاه مزبور قرار گیرند. در فضای جدید، با به کارگیری مکانیزمهای انگیزشی و استفاده از ابزارهای بخش خصوصی، اهرمهای سودآوری از طریق کنشها و واکنشها در مقابل نیروهای بازار، هزینه‌های تولید را به حداقل می‌رساند و کارایی را در سطح مطلوب حفظ خواهد کرد [۵].

خصوصی سازی در شکل ظاهری فرایندی است که در آن، وظایف و تأسیسات بخش دولتی در هر سطحی به بخش خصوصی انتقال داده می‌شود، اما در مفهوم حقیقی به اشاعه فرهنگی در تمام سطوح جامعه اطلاق می‌شود که دستگاه قانونگذاری، قضائیه، مجریه و تمام آحاد یک کشور «باور» کنند که «کار مردم» را باید به «مردم» واگذاشت؛ یعنی مردن بودن دخالت دولت قادر به انجام وظایف و مسئولیتهای مربوط به جامعه خود باشند و هیچ نهاد و قدرتی نتواند آنها را از انجام مسئولیتهایشان باز دارد [۱۱].

ورزش نیز به طور فراینده‌ای در بسیاری از زمینه‌ها، بخش پیوسته‌ای از طرحهای بازرگانی از جمله در رسانه‌های چندملیتی و سرگرمیهای متفاوت است. این امر موجب شده است، ورزش در خرید خدمات اقداماتی قرار گیرد تا تأکید یا هدف آن، آگاهی دادن به شهروندان یک ملت و آموزش بازرگانی دولت به آنان است [۱۶]. بدین صورت، ملاحظه می‌شود که فرایند خصوصی سازی شامل هرگونه انتقال فعالیتها یا وظایف از دولت به بخش خصوصی است و به طور واضح تر، هرگونه انتقال چه به صورت جزئی و چه به صورت کلی، از بخش دولتی به بخش خصوصی برای تولید کالاها یا خدمات، خصوصی سازی نامیده می‌شود [۱۹].

نتیجه، از فشار بر بخشهای دولتی در ارائه خدمات می‌کاهد و کیفیت خدمات به تدریج بالا می‌رود و خودبه‌خود خدمات با قیمت نازل‌تری ارائه می‌شوند و در نتیجه، دولت و مردم از این انتقال سود می‌برند. مشارکت جمعی مردم، فضای خلاق‌تری را برای تولید، حرکت و سازندگی به وجود می‌آورد و مردم نیز در این میان احساس وظیفه بیشتری می‌کنند (تحقیقات جوانمردی، ۱۳۷۳؛ طاهری، ۱۳۷۹؛ صادق‌زاده، ۱۳۷۸؛ خوش‌خبر ۱۳۷۷؛ رفیعی، ۱۳۷۴ و دهقانی، ۱۳۸۲ نیز در داخل کشور همه‌حاکمی از صدق موارد گفته شده هستند که در متن اصلی تحقیق آورده شده‌اند.

همچنین وظیفه اصلی دولت، نظارت، کنترل و هدایت است. امروزه، دولتها در نظامهای گوناگون اقتصادی و سیاسی، بیشتر سیاستگذاری و جهت‌گیری کلان ملی و منطقه‌ای را بر عهده دارند و تلاش می‌کنند که بخش خصوصی را برای اجرای هدفهای خود قرار دهند. با توجه به اینکه دولت سرمایه‌گذاری هنگفتی در ورزش کشور داشته است، بررسی عملکرد نشان می‌دهد که استفاده بهینه‌ای از منابع سرمایه‌ای موجود کشور نشده است. بنابراین، منطق سیاست خصوصی سازی در چنین شرایطی، واگذاری بخشی از اختیارات موضوع تصدی‌گری در ورزش است که می‌تواند برای ارتقای بهره‌وری در ورزش مؤثر واقع شود.

### روش‌شناسی تحقیق

در این تحقیق از مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل مطالعات استفاده شده است. روش اجرای تحقیق، توصیفی و از نوع زمینه‌یابی پیمایشی است و اطلاعات آن به صورت میدانی و با استفاده از توزیع پرسشنامه به دست آمده‌اند.

خصوصی‌سازی، مالکیت، بهبود و ارتقای نظام مدیریت، کنترل، هدایت مهارت و نظارت مستمر باید در نظر قرار گیرد. صادق‌زاده (۱۳۷۸) خصوصی‌سازی را با نظارت بهتر و دقیق‌تر، دولتی، موجب افزایش بهره‌وری نیروی کار می‌داند. خوش‌خبر (۱۳۷۷) در بررسی و تحلیل آثار خصوصی‌سازی در سازمان تربیت بدنی می‌گوید که بخش دولتی باید با واگذاری امکانات ورزشی موجب کارایی بیشتر و بهره‌وری بیشتر آنها شود. به همین منظور، وی ساختار موجود با مقررات و بروکراسی را موجب ناکارایی بیشتر و بهره‌وری مناسی از امکانات دانست. موزانگازا و همکارانش (۲۰۰۱) ساختارهای ناهماهنگ با شرایط جدید و نبود واقع‌گرایی را موجب کندی اجرای مرحله‌های اقدامات و عملیات دولتی می‌داند. شاهبندزاده (۱۳۷۲) اجتناب از ایجاد مراکز متعدد مدیریتی و فرماندهی در فرایند خصوصی‌سازی را هنگام ایجاد ساختاری جدید مدنظر قرار می‌دهد و احمدوند (۱۳۷۴) معتقد است که انتقال سازمانی و تغییر ساختار در فرایند خصوصی‌سازی باید بر اساس هدفها مشخص شود و از الگوی معینی پیروی کند. از مجموع پژوهشهایی که به این موضوع پرداخته‌اند و نتایج حاصل از آنها، چنین برمی‌آید که برای اصلاح ساختار ورزش قهرمانی باید هدف، طرح و برنامه مشخصی برای اجرای کار تعیین شود و مرحله‌های آن چون مناسبات تقسیم کار، ارتباط پویا بین بخشها، شایستگی، بودجه لازم برای اجرای طرح و نظام انگیزشی برای کارکنان مدنظر قرار گیرد تا طرح اصلاح ساختار و انتقال وظایف سازمانی به گونه‌ای مؤثر اجرا شود.

شواهد تجربی در کشورهای متفاوت نشان می‌دهند که این انتقال موجب افزایش مشارکت، ایجاد رقابت، تنوع در ارائه خدمات و ... می‌شود و در

## جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری تحقیق را مدیران ستادی و اجرایی بخش ورزش کشور تشکیل می دهند که بدین قرارند:

الف. مدیران ستادی ورزش اعم از رئیسان، معاونان و مدیران کل دفاتر سازمان تربیت بدنی، ب. مدیران کل تربیت بدنی استانها، پ. رئیسان فدراسیونهای ورزشی، ت. مدیران تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش، ث. مدیرات تربیت بدنی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ج. رئیسان تربیت بدنی شهرستانهای کشور، چ. مدیران باشگاههای کشور.

در این تحقیق، نمونه آماری در بخشهای ستادی تمام مدیران محاسبه آماری را شامل شده است. بر اساس بررسی اولیه و تعداد نمونه با اطمینان ۹۵ درصد و با خطای یک امتیاز بر اساس فرمول مورد نظر، ۳۱۰ نفر برآورد شده و با احتساب پنج درصد ریزش، ۳۲۶ نفر نمونه گیری شده اند. در بخشهای صفی و عملیاتی با توجه به دسترسی نداشتن به همه شهرستانها برای نمونه برداری کاملاً تصادفی، از روش تصادفی ناحیه ای یا خوشه ای استفاده شده است، بدان معنا که از بین ۲۸ استان کشور ۱۵ استان انتخاب شده اند و حدود ۴۰ درصد از جامعه آماری را ۱۲۹ نفر از رئیسان تربیت بدنی تشکیل داده اند.

## ابزار اندازه گیری

در این پژوهش، وسیله اندازه گیری متغیرهای مورد نظر، پرسشنامه است که پس از تعیین اعتبار و روایی آن مورد بهره برداری قرار گرفته است. روایی پرسشنامه با توزیع میان ۱۵ متخصص و صاحب نظران ورزش و اعمال دیدگاه اصلاحی آنها مورد بررسی قرار گرفته است. برای اطمینان بیشتر روایی پرسشنامه تحقیق، روش تحلیل عاملی و اعتبار محتوا به کار رفته است. برای تحلیل داده ها، از آمار توصیفی برای

طبقه بندی نمره های خام، طراحی جدول توزیع فراوانی و محاسبه شاخصهای پراکندگی مانند میانگین، انحراف معیار و واریانس استفاده شده است. از آمار استنباطی برای برخورداری از آزمونهای پارامتریک و ناپارامتریک و برای تعیین رابطه بین متغیرها از آزمونهای پارامتریک چون کای دو، رگرسیون و ضریب همبستگی پیرسون و اسپرمن و برای مقایسه و تعیین تفاوت نگرش مدیران از آزمون تی ویومن و تینی استفاده شده است. از آزمون کای دو برای بررسی همگنی ویژگیهای فردی در سطوح مدیریتی سازمانهای ورزشی استفاده شده است تا معناداری تفاوت نسبتها بین متغیرهای شخصی با مستقل و سطح مدیریتی در طبقه بندی های متفاوت بررسی شود.

برای محاسبه اعتبار پرسشنامه و استاندارد کردن آن از دو روش آزمون آلفای کرونباخ و اسپلیت هاف استفاده شده است که اعداد کاملاً قابل قبولی را (۸۰ تا ۹۵ درصد) نشان داده اند.

## یافته های تحقیق

دو فرضیه در این تحقیق با تأکید بر تمرکززدایی، اصلاح ساختار ورزش قهرمانی و انتقال وظایف آن از سازمان تربیت بدنی به کمیته ملی المپیک مورد مذاقه محقق قرار گرفته است.

در بررسی فرضیه های مذکور، ابتدا دیدگاههای مدیران در هشت گروه: مدیران آموزش و پرورش، آموزش عالی، دفترهای ستادی، مدیران کل استانها، رئیسان سازمانها، رئیسان تربیت بدنی شهرستانها، رئیسان فدراسیونهای ورزشی و مدیران باشگاهها ارزیابی و سپس برای بررسی دقیق تر از نظر ماهیت کاری در چهار گروه مدیران ستادی، اجرایی، آموزشی و باشگاهها طبقه بندی شده اند.

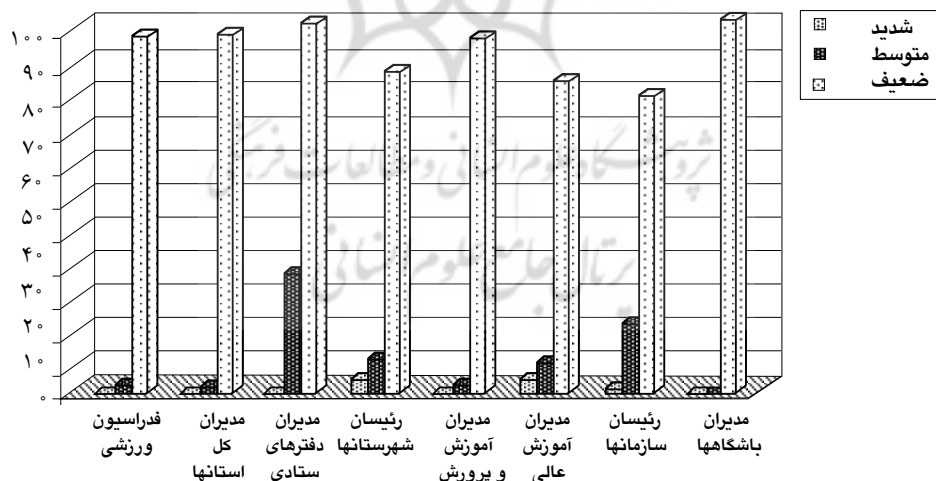
اطلاعات آماری و محاسبات مربوط به این فرض

که «بین مدیران سطوح گوناگون بخش ورزش و اعتقاد آنان به خارج شدن تمرکز ورزش قهرمانی از بخش دولتی به بخش غیردولتی با رعایت اصول خصوصی سازی تفاوت معناداری وجود ندارد» در نمودار زیر آورده شده اند. خاطر نشان می شود که در امتیازگذاری نمره ها یا معیار اعتقادی و نگرش مدیران به فرضیه های مورد بحث، با بهره گیری از روش درجه بندی لیکرت (یک تا پنج) عدد نشانه حداکثر اهمیت تأثیرگذاری و عدد یک نشانه کمترین اهمیت تأثیر است. در طبقه بندی ارزشگذاری کیفی، بیشترین امتیاز به ترتیب در موقعیت شدید، متوسط و ضعیف متمرکز شده اند. (نمودار ۱)

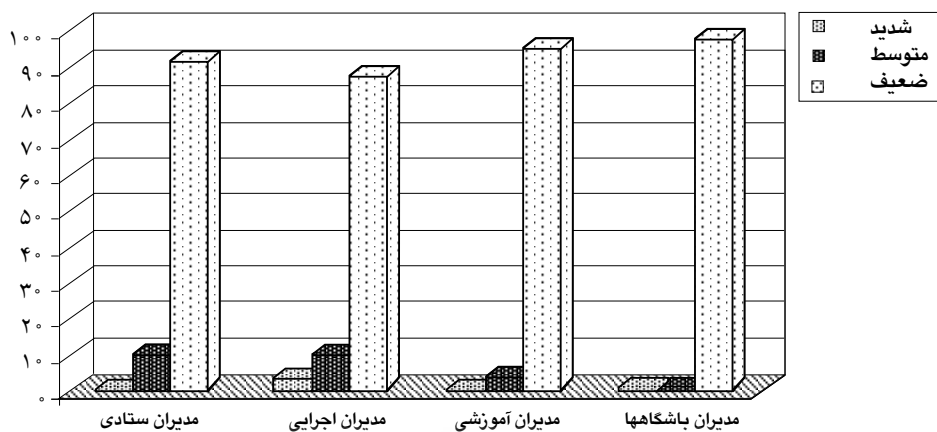
در این قسمت، دیدگاه مدیران بخش ورزش و اعتقاد آنان به خارج شدن و تمرکز ورزش قهرمانی از بخش دولتی به بخش غیردولتی و خصوصی در چهار گروه مدیران ستادی، اجرایی، آموزشی و باشگاهها مورد بررسی قرار گرفته است و اطلاعات و محاسبات آماری در نمودار ۲ ارائه شده اند.

داده های نمودار مشخص می کند که اعتقاد مدیران مبنی بر خارج شدن تمرکز ورزش قهرمانی از بخش دولتی به بخش غیردولتی و خصوصی با موقعیت شغلی آنها ارتباط ندارد و قریب به ۹۲٪ آنها با این ایده نظر موافق نشان داده اند که ورزش قهرمانی از بخش دولتی

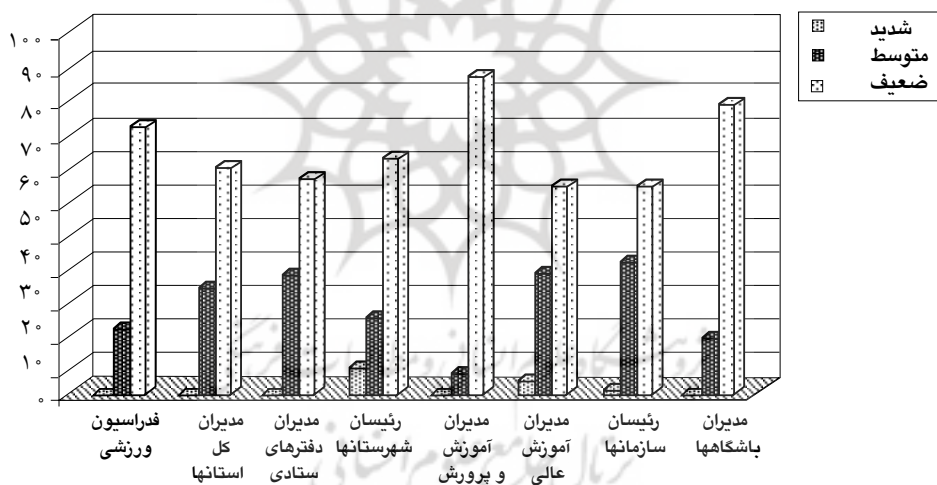
متمرکز شده اند. (نمودار ۱)



نمودار ۱. مقایسه نگرش مدیران سطوح گوناگون ورزشی نسبت به خارج شدن تمرکز ورزش قهرمانی از بخش دولتی به بخش غیر دولتی (کمیته ملی المپیک)



نمودار ۲. مقایسه نگرش سطوح مدیریتی بخش ورزش نسبت به خارج شدن تمرکز ورزش قهرمانی از بخش دولتی به بخش غیر دولتی



نمودار ۳. مقایسه نگرش مدیران سطوح ورزش قهرمانی از سازمان تربیت بدنی به کمیته ملی المپیک

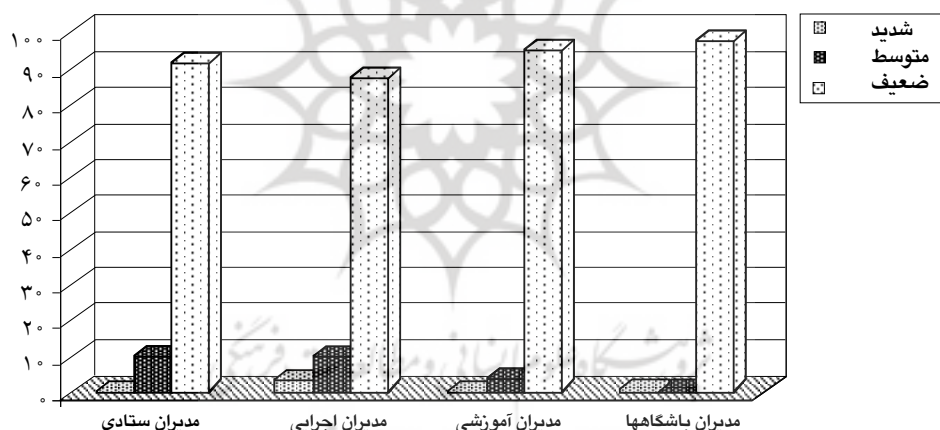
بیشترین توافق را با این اندیشه اعلام داشته‌اند. در صورتی که تنها ۸/۵ درصد با این نظر مخالف یا نسبت به آن نظری نداشتند. نتایج آزمون کای نشان می‌دهند که در این زمینه، تفاوت معناداری بین نگرش مدیران وجود ندارد ( $P = 0/304$ ).

داده‌های نمودار نشان می‌دهند که هرچند مدیران سطوح گوناگون در خارج ساختن تمرکز ورزش قهرمانی از بخش دولتی به بخش غیردولتی و خصوصی توافق دارند، اما مدیران اجرایی با ۸۹/۲ درصد کمترین و مدیران باشگاهها با ۱۰۰ درصد

متغیر مزبور نشان می‌دهد که بین دیدگاه مدیران تفاوت وجود دارد. به عبارت دیگر، تفاوت دیدگاه مدیران در این زمینه معنادار است ( $P = 0/012$ ). بدین ترتیب، رئیس‌ان فدراسیونهای ورزشی و باشگاههای ورزشی که مسؤولیت فنی و اجرایی بخش ورزش قهرمانی را بر عهده دارند، بیشترین توافق را بین مدیران سازمان تربیت بدنی با انتقال ورزش قهرمانی از سازمان تربیت بدنی به کمیته المپیک دارند. رئیس‌ان و معاونان سازمان تربیت بدنی کمترین نظر موافق را داشته‌اند که شاید انتقال را هماهنگ با نظر و سلیقه خود و حتی موقعیت شغلی خود ندانند. در این قسمت، دیدگاه مدیران نسبت به انتقال

اطلاعات آماری و محاسبات مربوطه به فرض دوم تحقیق مبنی بر اینکه «بین مدیران سطوح گوناگون بخش ورزش و اعتقاد آنان به انتقال وظایف ورزش قهرمانی از سازمان تربیت بدنی به کمیته ملی المپیک تفاوت معناداری وجود ندارد» در نمودار ۳ آورده شده‌اند.

با توجه به اطلاعات ارائه شده در نمودار ۳ مشخص می‌شود که نگرش کل مدیران جامعه ورزش با انتقال ورزش قهرمانی از سازمان تربیت بدنی به کمیته ملی المپیک با استفاده از اصول خصوصی سازی در ورزش مثبت است و آنان با ۷۲٪ درصد، نظر موافق خود را اعلام داشته‌اند. از این



#### نمودار ۴. مقایسه نگرش سطوح مدیریتی بخش ورزش قهرمانی به کمیته ملی المپیک

ورزش قهرمانی به کمیته ملی المپیک (با استفاده از اصول خصوصی سازی در ورزش) در چهار گروه مدیران ستادی، مدیران اجرایی، مدیران آموزشی و مدیران باشگاهها بررسی شده است و اطلاعات و محاسبات آماری در نمودار ۴ ارائه شده‌اند.

میان، ۳/۶ درصد از مدیران جامعه تحقیق با این امر مخالف و ۲۳/۹ درصد بی طرف بوده‌اند. از مجموع مدیران، مدیران آموزش عالی کمترین توافق و مدیران آموزش و پرورش بیشترین توافق را با این امر داشته‌اند. نتیجه بررسی آزمون کای دو در خصوص

گسترش توافق در زمینه منطقیها، هدفها و عناصر اصلی برنامه خصوصی کردن در میان گروههای اصلی درگیر در این سیاست باشد. مرحله دوم: قانونگذاری برای سرعت بخشیدن و رفع موانع. مرحله سوم: بحث در سطح هیأت وزیران برای تصویب قوانین مورد نظر سازمان مسئول خصوصی سازی. مرحله چهارم: بررسی جامع و ارائه شیوه کار با کمک مسئول مجری از طرف هیأت دولت، مرحله پنجم: انتخاب نهایی شرکتها و افراد. مرحله ششم: اجرا و مرحله هفتم: ارائه چارچوب مقرراتی طرح و اعلام سیاست عمومی [۱۲].

برای نمونه، ورزش و حرکتها و ورزشی در ایتالیا ریشه در باشگاهها دارد و سازماندهی باشگاهها نیز بر عهده کمیته ملی المپیک است. دولت در این میان نقش تکمیلی دارد؛ بدان معنا که از طریق مناطق و مقامات محلی شرایط لازم را برای شهروندان فراهم می کند که به ورزش مورد علاقه خود بپردازند. دولت به ساختار سازمانی ورزش مانند یک ارگان مستقل می نگرد و قانون اساسی نیز در سه مقطع منطقه ای، استانی و شهرداری به تمرکززدایی پرداخته است. از عملکردهای مهم شهرداریها، ساخت و اداره مکانهای ورزشی است که در برخی موارد، اداره آنها به سازمانهای ورزشی واگذار می شود. به همین منظور، کمیته ملی المپیک در حال واگذاری به بخش خصوصی و مردمی و تمرکززدایی است. پایه های اصلی مدنی و اجرایی ورزش، هیأت مدیره های ورزشی معادل فدراسیونهای ورزشی در ایران است. تفاوتها در این است که آنها در بریتانیا کاملاً مستقل از دولت هستند و مدیریت آن در یک روند دمکراتیک از پایین به بالا انتخاب می ود و تصمیم گیرنده نهایی در بخش عمومی و بخش قهرمانی هیأتهای مدیره هستند. شوراهای مرکزی ورزشی ابتدا دولتی بودند

اطلاعات نمودار ۴ نشان می دهند که مدیران جامعه تحقیق با ۷۲/۷ درصد با انتقال وظایف ورزش قهرمانی از سازمان تربیت بدنی به کمیته المپیک با استفاده از اصول خصوصی سازی در ورزش موافق هستند.

در این میان، مدیران آموزشی بیشترین توافق را با ۷۸/۳ درصد و مدیران اجرایی با ۶۹/۴ درصد کمترین توافق را با این امر اعلام داشته اند. نتایج آزمون کای دو تفاوت را در میزان نگرش مدیران نسبت به امر مزبور نشان می دهند و با توجه به میزان آن می توان این نتیجه گیر را داشت که تفاوت معنادار نبوده است ( $P = ۰/۰۵۵$ ).

## بحث و نتیجه گیری

فرایند خصوصی سازی هرگونه انتقال فعالیت یا وظیفه از دولت به بخش خصوصی است، به بیان روشن تر هرگونه انتقال چه جزئی و چه کلی، از بخش دولتی به بخش خصوصی به منظور تولید کالاها یا خدمات، خصوصی سازی نامیده می شود [۱۹]. در برخی کشورها، دولتها از طریق انتقال خدمات به سازمانهای غیردولتی یا خصوصی در حال افزایش مشارکت بخش خصوصی هستند. آژانسهای دولتی کشورهای در حال توسعه سعی دارند که با ایجاد تضمینهای لازم و انگیزه های مالی، سازمانهای خصوصی را به ارائه مؤثر خدمات در توسعه اقتصادی ترغیب کنند و حتی اقدام به پرداخت یارانه و وام هم می کنند [۲].

اندیک [۱۵] فرایند خصوصی سازی و انتقال وظایف را در هفت مرحله بیان می کند: مرحله یکم: بنای توافق عمومی، یعنی هنگامی که دولت تصمیم گرفت، سیاست گسترده خصوصی کردن را به عنوان برنامه پایه ای خود قرار دهد، کوششها باید نخست بر



با ۱۰۰ درصد بیشترین توافق را با این فرض اعلام کرده‌اند. در این زمینه، متأسفانه اولویت توسعه‌ای ورزش قهرمانی مشخص نبوده است و سهم بخش خصوصی نیز معین نشده است و عمده باشگاه‌های لیگ برتر هنوز در دست دولت و نهادهای دولتی قرار دارند. خوشبختانه، مدیران ورزش در این خصوص نیز با آگاهی نسبی از شیوه اداره آن در کشورهای توسعه یافته، اعتقاد خود را با ۹۲ درصد برای خارج شدن تمرکز ورزش قهرمانی از تیول بخشهای دولتی و واگذاری آن به بخش غیردولتی ابراز داشته‌اند. در فرضیه دوم، یعنی انتقال ورزش قهرمانی از سازمان تربیت بدنی به کمیته ملی المپیک، در مجموع ۷۳ درصد با این انتقال وظایف موافق بوده و حدود ۲۴ درصد رأی ممتنع داده‌اند که عدد آن به نسبت بالاست و می‌تواند بیانگر نگرانی بخشی از مدیران موجود جامعه ورزشی در این خصوص باشد. اما حرکات موازی، لوژ بودن مسؤولیت‌های پیروزی و شکست تیمها و امنیت نداشتن مدیران برای حضور در مشاغل برای انجام اقدامات اساسی و پایدار و غیره، عملاً بهره‌وری را در بخش قهرمانی پایین آورده است. حال اینکه جمعیت جوان جامعه ایران، امکان و شرایط ماسبی را برای قهرمانی در اختیار دارد، اما مشخص نبودن تعریفی واحد در این زمینه، عاملی برای تخریب منابع این بخش اعم از نیروی انسانی، مالی و مادی شده است که اعتقاد مدیران در این زمینه، بر تسریع سیاست خصوصی سازی در ورزش دلالت دارد.

با وجود توافق ۷۲/۸ درصد مجموع مدیران از میان هشت گروه مدیران، ۳/۶ درصد با این سیاست مخالفت و ۲۳/۹ درصد از مدیران با آن اعلام بی طرفی کرده‌اند. در مجموع نیز مدیران آموزش عالی کمترین توافق و مدیران آموزش و پرورش بیشترین توافق را با این امر اعلام داشته‌اند. در بررسی دیدگاه مدیران

اما در حال حاضر، غیردولتی و محلی هستند. دولت به هر شورا بودجه‌ای اختصاص می‌دهد و هر شورا می‌تواند حامی خود را از بخشهای تجاری و صنعتی جذب کند. بخش پیش بینی نتایج مسابقات در حال حاضر بیش از سایر بخشها بودجه شوراها را تأمین می‌کند [۱۰].

پس از انقلاب اسلامی، جنگ و تحولات ناشی از انقلاب، حرکت توسعه‌ای را در ورزش با تأخیر مواجه ساخت. اما در مسیر گسترش اندیشه کوچک کردن اندازه دولت و در دست گرفتن فرایند سیاستگذاری و برنامه‌ریزی از طرف دولت و توجه به خصوصی سازی، تحقیق حاضر به بررسی خصوصی سازی، اصلاح ساختار و جریان انتقال وظایف از سازمان تربیت بدنی به کمیته ملی المپیک برای تسریع بخشیدن به فرایند و روند توسعه در بخش ورزش با توجه به جمعیت عظیم جوانان و نیاز بیش از ۳۰ میلیون جوان کشور به امکانات و اقدامات ورزشی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که مدیران ارشد بخش ورزش در بخشهای گوناگون رئیسان فدراسیونها، مدیران کل استانها، مدیران دفترهای ستادی، رئیسان تربیت بدنی شهرستانها، مدیران تربیت بدنی آموزش و پرورش و آموزش عالی، مدیران سازمان تربیت بدنی و مدیران باشگاهها در فرضیه اول و اعتقاد به تمرکززدایی ورزش قهرمانی از بخش دولتی به غیردولتی با رعایت اصول خصوصی سازی ۹۲ درصد رأی موافق داده‌اند.

بررسی نگرش مدیران سطوح گوناگون بخش ورزش در فرضیه دیگر و اعتقاد آنان به خارج شدن تمرکز ورزش قهرمانی از بخش دولتی به بخش غیردولتی نشان می‌دهد که تقریباً همه مدیران با این فرض توافق دارند. در این میان، مدیران و رئیسان سازمانها با ۷۷/۸ درصد کمترین و مدیران باشگاهها

ملی المپیک موافقت داشته و کمیته مزبور را متولی مناسب تری برای این امر یعنی ورزش قهرمانی دانسته اند. هرچند حمایتها و پشتیبانیهای دولت برای ایجاد زیربناها که در هر بخشی از جامعه به عهده دولت است، در زمینه ورزش عمومی و حتی قهرمانی نیز می تواند همواره تداوم یابد.

به طور کلی، می توان گفت که خصوصی سازی و در اینجا انتقال وظایف به ارگان غیرانتفاعی و غیردولتی یعنی کمیته ملی المپیک فرایندی مؤثر در کاهش اندازه دولت است.

بدین ترتیب، یکی از هدفهای نهایی خصوصی ازی در بلندمدت این است که دولت باید فقط به یک سلسله فعالیتهای ضروری که انجام آنها جز با کمک دولت امکانپذیر نیست، پردازد و سایر فعالیتهای را به بخش خصوصی و غیردولتی واگذار کند.

در چهار گروه مدیران باشگاهها، مدیران آموزشی، مدیران اجرایی و مدیران ستادی، مدیران آموزشی بیشترین توافق (۷۸/۳ درصد) و مدیران اجرایی کمترین توافق (۶۹/۴ درصد) را اعلام داشته اند (P = ۰۵۵). در مجموع، نامشخص بودن وضعیت ورزش قهرمانی در کشور از این نظر که کدام نهاد یا سازمان، کمیته ملی المپیک یا سازمان تربیت بدنی متولی ورزش قهرمانی هستند، عملاً حرکتی موازی صورت می گیرند و برای جامعه مشخص نیست که کدام نهاد در پیروزی یا شکست تیمهای قهرمانی مقصرند یا نقش دارند. اما در کشورهای پیشرفته، متولی ورزش قهرمانی عمدتاً کمیته ملی المپیک است که یک نهاد عمومی غیردولتی است و ارکان آن به طور دموکراتیک انتخاب می شوند. مدیران جامعه ورزش کشور، نسبت به متغیر مزبور اظهار نظر داشته اند و بیشتر آنان با انتقال و واگذاری ورزش قهرمانی به کمیته

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## منابع و مأخذ

۱. احمدوند، محمدرحیم، ۱۳۷۴، تحلیلی پیرامون خصوصی سازی و روند آن طی برنامه پنج ساله اول اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه تهران.
۲. اکبری، حسین و داوودی، دردانه، ۱۳۸۰، مدیریت خصوصی سازی، نشر مرکز پژوهش صنعتی آریانا.
۳. التجایی، ابراهیم، ۱۳۷۸، بررسی یک الگوی تجارت خارجی مطلوب در ایران، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۴. تقوی، مهدی، ۱۳۷۴، خصوصی سازی از تئوری تا عمل، مجموعه مقالات، انتشارات آگاه.
۵. حبیبی، علی، ۱۳۷۱، خصوصی سازی بنگاههای دولتی در کشورهای در حال توسعه با نگاهی به وضع ایران، دانشگاه مازندران.
۶. حقیقی، محمدعلی، ۱۳۷۵، بررسی و طراحی الگوی ساختاری مناسب جهت خصوصی سازی در بخش دولتی سازمان بنادر و کشتیرانی، دانشگاه تربیت مدرس.
۷. حیدری، غلامرضا، ۱۳۷۷، طراحی مدل خصوصی سازی در ایران، صنعت برق ایران، دانشگاه تربیت مدرس.
۸. خوش خیر، امیر، ۱۳۷۷، بررسی و تحلیل آثار خصوصی سازی در سازمان تربیت بدنی، دانشگاه علوم و فنون مازندران.
۹. دلاور، علی، ۱۳۷۵، آمار در علوم تربیتی و تربیت بدنی. (نوشته: لویس کوهن و میشل هالیدی)، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۰. ذوالاکتاف، وحید، ۱۳۸۱، ضرورت انتقال بخش عمده ورزش به بخش خصوصی، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا).
۱۱. رحیمی بروجردی، علی رضا، ۱۳۷۳، سیاستهای اقتصاد کلان و اصلاحات ساختار، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
۱۲. سازمان صنایع ملی ایران، بهمن ۱۳۷۲. سیاست واگذاری فعالیتهای اقتصادی به بخش خصوصی گزارشی تحقیق، شماره ۳۸.
۱۳. شاهبندزاده، حمید، ۱۳۷۲، بررسی اثرات خصوصی سازی جزئی در سازمان بنادر و کشتیرانی (اداره کل بوشهر)، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۴. صادق زاده، جواد، ۱۳۷۸، بررسی امکان سنجی خصوصی سازی راه آهن، دانشگاه تهران.

15. Clements, Laurie. (1998). Privatization: Confronting The New Levithan. Iowa.
16. Delay, Jeanine A. (2003). Sport Diplomacy in the Age Of Golobal Media: 3.
17. Martin, Brendan. (1993). "In the Public interest? Privatization and Public sector Retorm." London: Zes Boods.
18. Muzangaza, Caxton Gabriel Chaitwa. (2001). the role of ideological and behavioral differences in privatization problems in transition economies (the context of Zimbowe) walden university.
19. Star, Paul. (1989). "The Meaning of Privatization". In Privatization and Welfare Star, Sheila B. Kamerman and Alfred J. Kahn (eds). 15 - 49.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی